اثر چکناواریان برای جانباختگان ۷۵۲

لوریس چکناواریان دیروز در صفحه اینستاگرامش نوشت که قطعه‌ای را به یاد جانباختگان پرواز ۷۵۲ هواپیمای اوکراین و همدردی با خانواده‌های داغدیده ساخته است. رازمیك اوحانیان، یارتا یاران، احسان بیرق‌دار، علیرضا راد، امید نیك‌بین، شاهو زندی، بردیا صدرنوری و ناصر ایزدی در تولید و انتشار این اثر همکاری کرده‌اند.

چاپ چهارم در کمتر از یك ماه

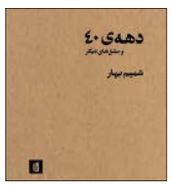

اتفاق مبارك و در عین حال عجیبی است که پس از نیم قرن بالاخره کتابی از شمیم بهار منتشر شده و حالا در کمتر از یك ماه با خبر شدیم که به چاپ چهارم رسیده است. کتاب «دهه ۴۰ و مشق‌های دیگر» این قصه‌نویس و منتقد سینما، منتخبی از «اولی»های چاپ شده و نشده بهار را یکجا گرد می‌آورد؛ مجموعه داستان‌ها، مجموعه یادداشت‌ها و نقدهای ادبی و سینمایی و دفتر سوم که فیلمنامه‌ای «عاشقانه» است.

هشت تومان

فیلم فجر در اکران عمومی، پرفروش یا کم‌فروش خواهند شد

نکته مهم و قابل بررسی در این باره، بی‌اعتنایی غالب فیلم‌های جشنواره به معیارهای مخاطب‌پسند است و بیشتر آثار نشان چندانی از جذابیت داستانی و ساختاری نداشتند. اگر هم قصد و نیتی برای ارتباط با طیف بیشتری از مخاطبان بود، فیلم‌ها توانایی و ابزار لازم را برای این منظور نداشتند. نتیجه این که راه بیشتر فیلم‌های جشنواره از سلیقه و پسند مردم جدا بود که ثمره این بی‌محلی و بی‌اعتنایی، به طور قطع در گیشه سال آینده محسوس خواهد بود و این دست از آثار به فروش خوبی دست پیدا نمی‌کنند. هرچند این مساله، تنها محدود به جشنواره امسال نیست و در دوره‌های قبلی هم شاهد خیل فیلم‌هایی بودیم که سازندگانشان ارزش چندانی برای ارتباط با مردم قائل نبودند یا اگر نخواهیم اینقدر بدبینانه به ماجرا نگاه کنیم، خود فیلم‌ها رمقی برای قصه‌گویی درست و جذاب نداشتند و از ارتباط با مخاطبان عاجز بودند. با این حال، نگاهی داریم به فیلم‌هایی که به جز رعایت ساختار هنرمندانه و تلاش برای جلب نظر منتقدان و تماشاگران خاص، به رضایت و خوشایند مردم هم اهمیت داده‌اند؛ فیلم‌هایی که از حالا می‌توانند از آثار پرفروش گیشه سال ۹۹ باشند.

از کنار گیشه می‌گذرند

راه تعداد زیادی از فیلم‌های سی و هشتمین جشنواره فیلم فجر از گیشه و فروش بالا و چند میلیاردی جداست. اگرچه دوست داریم هر فیلمی که روانه اکران می‌شود، با اقبال مخاطبان روبه‌رو شود و فروش خوبی داشته باشد، اما می‌دانیم که واقعیت چیز دیگری است و هر فیلمی که اعتنایی به سلیقه مخاطب نداشته باشد یا نتواند قصه جذابی را برای او روایت کند، سرنوشت جالبی در گیشه نخواهد داشت. البته گاهی هم این انتخاب برخی فیلمسازان است که باب طبع ذائقه تماشاگران عام فیلم نمی‌سازند و تبعات این قضیه را هم می‌پذیرند و ترجیح می‌دهند فیلمشان در جشنواره‌های داخلی و خارجی دیده و از سوی مخاطبان خاص موردتایید قرار بگیرد. با همه این تعابیر، نگاهی داریم به فیلم‌هایی که به صورت بالقوه، راهی برای موفقیت در گیشه ندارند، مگر این که اتفاقات دیگری هنگام اکران رخ دهد و سلیقه طیف گسترده مخاطبان به طور ناگهانی، با این آثار همراه و موجب فروش بالای آنها در گیشه شود.

آبادان یازده ۶۰ ساخته مهرداد خوشبخت که در ژانر جنگی روایت می‌شود و به مقاومت مردمی آبادان در اوایل هجوم عراق می‌پردازد، قصه اش را سرراست و تقریبا استاندارد به تصویر می‌کشد، اما فیلم برای جذابیت چیزهایی کم دارد. شاید نبود چهره‌های مطرح و محبوب بازیگری، یکی از مهم ترین دلایلی باشد که نتوان حساب چندانی روی فروش خوب فیلم در گیشه باز کرد. خود قصه هم به اندازه کافی پروپیمان نیست. نکته جالب و عجیب درباره آبادان یازده ۶۰ این که این فیلم موفق شد جزو پنج فیلم برتر مردمی جشنواره اخیر فیلم فجر باشد.

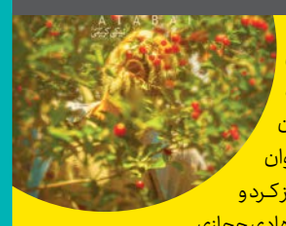

آتابای تا اینجا بهترین فیلم نیکی کریمی به عنوان کارگردان است و در جشنواره فیلم فجر هم با تحسین برخی تماشاگران و منتقدان مواجه شد، اما چندان نمی‌توان روی موفقیت فیلم در گیشه حساب باز کرد و این اثر باوجود بازیگرانی چون جواد عزتی، هادی حجازی فر و سحر دولتشاهی، چون در فضا و قصه‌ای متفاوت از سلیقه مخاطب عام می‌گذرد، به طور طبیعی و با توجه به پیش فرض‌هایی که در این زمینه وجود دارد، راه به جایی نخواهد برد. زبان ترکی فیلم و زیرنویس فارسی هم از دیگر مواردی است که احتمالا دشواری‌هایی را برای عامه مخاطبان به همراه دارد.

فیلم‌های قبلی مجید برزگر در گروه هنر و تجربه اکران شده بود و به نظر می‌رسد **ابر بارانش گرفته** هم در همین گروه اکران شود. اگر هم فیلم راهی اکران عمومی شود، به دلیل فضای خاصش و حضور چهره‌های ناشناخته برای مردم، شانسی برای فروش خوب نداشته باشد. حتی اگر بازی بازیگرانش در جشنواره تحسین و تایید شده باشد، مثل نازنین احمدی که برنده سیمرغ بهترین بازیگر نقش اول زن شد و ارشیا نیك بین که نامزد بهترین بازیگر نقش مکمل مرد شد.

پوست ساخته برادران ارك هم باوجود تحسین برخی منتقدان و تماشاگران در جشنواره فیلم فجر، بیشتر قابلیت اکران در هنر و تجربه را دارد و اگر بنا به نمایش عمومی آن باشد، به دلیل نبود چهره‌های سرشناس بازیگری و فضای جن و پریانی نامتعارفش و بحث زبان ترکی و زیرنویس فارسی، جزو اولویت‌های عموم مخاطبان برای تماشا نیست. درحالی که اگر همچون آتابای و برخی دیگر از آثار «ظاهرا نفروش»، اگر مخاطبان برای دیدن این فیلم‌ها به سینما بروند، از تماشایشان ناراضی نخواهند بود.

ظاهرا ابتدا قرار بود نوید محمدزاده، نقش اصلی **تومان** ساخته مرتضی فرشباف را بازی کند، شاید اگر آن اتفاق می‌افتاد فیلم با همین وضعیت قصه و روایت، در گیشه به فروش خوبی دست پیدا می‌کرد، اما درنهایت میرسعید مولویان عهده دار نقش اصلی شد که اتفاقا خوب هم بازی کرد و یکی از پدیده‌های جشنواره امسال بود. ولی از آنجا که چشم مخاطب عام، بیشتر پی چهره هاست و به ویترین فیلم‌ها نگاه می‌کند، تومان گزینه مناسبی نیست. به جز این احوالات برخی سکانس‌ها و ضرباهنگ کند و ملال آور فیلم هم با سلیقه مخاطب عام همخوانی ندارد.

از میان فیلم‌های برادران محمودی، تا اینجا فقط چندمتر مکعب عشق، به دلیل قضه تلخ و عاشقانه اش، نزد مخاطبان گل کرده است و دیگر فیلم هایشان یا اکران مناسبی نداشتند و ترجیح فیلمسازان بیشتر حضور در جشنواره‌های خارجی بود یا این که همچون شکستن همزمان بیست استخوان، تنها کمتر از ۳۰۰ میلیون تومان در گیشه فروخت. **مردن در آب مطهر** هم باوجود قصه متفاوت، همان حال و هوای فیلم‌های قبلی سازندگانش را دارد و چندان نمی‌توان روی فروش خوب آن حساب باز کرد.

فیلم قبلی بهتاش صناعی ها، احتمال باران اسیدی که در هنر و تجربه اکران شد، علاقه مندانی پروپاقرص داشت. **قصیده گاو سفید**، فیلم تازه صناعی ها، اگرچه قابلیت برقراری ارتباط با طیف بیشتری از مخاطبان را دارد و قصه ملموس و تلخ تری را روایت می‌کند و حتی می‌تواند اکران عمومی شود، اما سخت است فروش بالایی را برای فیلم متصور شد. بله، اگرچه بازیگران فیلم، مریم مقدم و علیرضا ثانی فر، خوب و درست بازی می‌کنند، اما احتمالا در زمان اکران، اولویت مردم برای تماشا نباشند.

سینمای بهنام بهزادی باوجود قصه‌ها و روایت‌های متفاوت و تحسین شده از سوی منتقدان، چندان موردپسند مخاطب عام نیست و انتظار فروش بالا هم از آنها نمی‌رود. چه رسد به **من می‌ترسم**، تازه‌ترین ساخته بهزادی که به قوت و جذابیت فیلم‌های قبلی اش هم نیست. با این حال حضور بازیگرانی چون الناز شاکردوست و امیر جعفری، تا حدی می‌تواند همچنان امیدهای اندك درباره فروش فیلم در گیشه را زنده نگاه دارد.

پدران ساخته سالم صلواتی اگرچه ملودرامی اشك انگیز است که با سلیقه مخاطب عام همخوانی دارد، اما به دلیل کم‌وکاستی‌هایی در متن و اجرا، حال و روز خوبی در گیشه نخواهد داشت. ضمن این که مطرح‌ترین بازیگران فیلم هم هدایت هاشمی و گلاره عباسی هستند که بازیگران گیشه‌ای و به اصطلاح بفروشی نیستند.

تعارض ساخته محمدرضا لطفی هم اساسا فیلمی تجربی است و به احتمال فراوان در هنر و تجربه اکران خواهد شد. اما اگر فیلم از اکران عمومی سردرآورد، حتی بازی خوب رضا بهبودی و بازیگوشی‌های فرمی فیلم، در گیشه چاره ساز نیست و تجربه نشان داده که مخاطبان عام نسبت به این آثار بی اعتنا هستند.

پسرکشی ساخته محمدهادی کریمی هم به دلیل روایت نه چندان تازه‌اش، در اکران عمومی راه به جایی نمی‌برد. احتمالا بازی ژاله صامتی و فضای معمایی فیلم، موردتوجه برخی مخاطبان قرار گیرد، اما چشممان از فروش آب نمی‌خورد و بعید است با فیلمی پرمخاطب و پرفروش در گیشه روبه‌رو باشیم. فیلم قبلی کریمی، کمدی انسانی تنها حدود ۸۰۰ میلیون تومان در گیشه فروخت.

دشمنان ساخته علی درخشنده هم نه با علاقه و سلیقه غالب مخاطبان هماهنگ است و نه از چهره‌های سرشناسی بهره می‌برد. رویا افشار، بازیگر توانا و پیشکسوت تئاتر و تلویزیون، تنها بازیگر شناخته شده فیلم است. ضمن اینکه ساختار و قصه و روایت فیلم هم ملال‌آور و خسته کننده و به دور از جذابیت است. ضرباهنگ کند فیلم هم مزید علت می شود.

لباس شخصی ساخته امیرعباس ربیعی باوجود ساختار و روایت جذاب، در اکران عمومی جزو اولویت‌های مردم برای تماشا نیست. فیلم هیچ بازیگر چهره‌ای ندارد، اگرچه تماشاگری که همت کند و به تماشای فیلم برود، از کیفیت بازی بازیگران به خوبی غافلگیر خواهد شد. مخاطبان البته قبلا در همین حال و هوا فیلم ماجرای نیمروز را دیده بودند و استقبال تقریبا خوبی هم از آن کردند. البته نباید حضور چهره‌ها را در موفقیت گیشه‌ای فیلم مهدویان نادیده گرفت.

احتمالا تنها نقطه اتکای فیلم **بی صدا حلزون** ساخته بهرنگ دزفولی زاده، حضور هانیه توسلی در نقش اصلی فیلم باشد. به جز این بعید است فیلمی که به موضوع ناشنوایان می‌پردازد و بخش‌هایی از آن با زبان اشاره روایت می‌شود، شانس چندانی برای پرفروش شدن داشته باشد، بگذریم از نمونه‌هایی استثنایی چون پرنده کوچك خوشبختی در سال‌های دور.

...ی چون چهارانگشت،
...هم جولان خواهد
...نقشی مهم دارد:
...یش بینی فروش
...د بود. در این چند روز
...ازی خوبش در آتابای
...ما با مخالفت سعید
...ی بازی در نقش یک

...دی فروش

...خاطب و پرفروش جشنواره در اکران عمومی باشند،
...گیشه داشته باشد و دست کم می‌تواند گلیم مالی خود را از
...ال‌های اخیر یعنی مفاسد اقتصادی یکی از این آثار است. این فیلم در
...کوب، سیانور و دهلیز هم فروش‌های متوسطی در گیشه داشتند.
...ر مردمی جشنواره بود، می‌تواند با اقبالی حدودی در گیشه مواجه شود؛ حضور
...ین فاکتور فروش احتمالی فیلم است.
...، از این رو **خون شد** هم می‌تواند به فروشی نسبی در گیشه دست پیدا کند. قاتل اهلی، فیلم
...متوسط در گیشه داشته باشد؛ فیلم در ژانر ترسناك است، در آمریکا ساخته شده و شهاب حسینی
...برای تماشاگران کنجکاوی برانگیز باشد.
...ی و علی اکبر حیدری هم به دلیل ساختار جذاب و ارجاع به کلی فیلم و صحنه و
...اکران نسبتا موفق را دارد. هرچند فیلم‌های قبلی علی محمدی (که آنها
...د) به دلیل ساختار تجربی، اساسا با گرایش به مخاطب عام ساخته
...یل بیرقی نیز همچون دو فیلم دیگر کارگردانش، عرق سرد
...شد، اما انتظار می‌رود که فیلم به فروشی متوسط در
...رم و جذابی دارد و در جشنواره، توجهات
...چندان نمی‌توان به فروش خیلی بالای
...رچند فضای قصه گو و بازی خوب
...باران کوثری و حسن پورشیرازی و
...ن فیلم حفظ می‌کند.

گپ

گفت‌وگو با عیسی جباری نقاش

نقاشی‌های جامعه چندوجهی

مریم درویش
منتقد هنر

عیسی جباری نقاش، کیوریتور، مشاور و نویسنده هنری است که سابقه برگزاری هشت نمایشگاه انفرادی را دارد و در بیش از ۴۰ نمایشگاه گروهی شرکت کرده است. به بهانه نمایش جدیدترین آثار او با عنوان «معشوقه معتدل» در گالری آس، با این هنرمند گفت‌وگویی کوتاه ترتیب داده‌ایم.

نقاشی‌های شما فرمی کلاژگونه دارد و به نظر می‌رسد فرم‌ها و سطوح از جایی پاره شده و روی بوم شما قرارگرفته‌اند. چگونه به این شیوه کار رسیدید و چرا این چندپاره بودن را به این شکل نمایش دادید؟

برای عده زیادی این سؤال مطرح می‌شود که چرا عمل کلاژ را به شکل واقعی انجام نمی‌دهم و پاسخ این است که من در این تابلوها نتیجه عمل کلاژ را نقاشی می‌کنم و خود فعل کلاژکردن

برایم جذابیتی ندارد. این که یك کلاژ را از صفر تا صد نقاشی کنم برایم بار معنایی و محتوایی پیدا می‌کند؛ زیرا یك واقعیت برساخته است. نکته دوم این که احساس می‌کنم از نظر فرهنگی، روان‌شناختی و روان‌شناسی اجتماعی، من و جامعه پیرامونم دچار این چندوجهی بودن هستیم. اتفاقات متعددی پیرامون ما رخ می‌دهد و شرایط اقلیمی، سیاست، اقتصاد، انباشتگی‌های متعدد حافظه تاریخی چندلایه و... اجازه نمی‌دهد ما زندگی آسوده‌ای داشته باشیم، زیرا همه چیز پیچیده و ناهمگن است. احساس می‌کنم در همه امور این چندگانگی در وجودمان دیده می‌شود و این وصله‌بودن مرا به این سمت می‌کشاند که دنیایی از یك واقعیت برساخته کلاژ گونه نقاشی کنم.

انسان در آثار شما چه جایگاهی دارد؟

آدم‌های من قابل تکه‌تکه شدن هستند. اگر هم آنها را سه‌بعدی می‌سازم در نهایت آنها پاره‌های یك روزنامه یا مجله مد هستند که بیشتر به استاندارد آدم‌ها اشاره دارد تا خودِ آدم‌ها. یعنی مجازی کردن یك امر بزرگ به‌عنوان انسان، یك نگاه انتقادی به مفهوم انسان دارد و می‌گوید که انسان امروز حاصل استانداردهایی است که برای او تعریف شده است و به خودی خود حجمی ندارد. ویژگی آدم‌هایی که انتخاب می‌کنم آن است که همگی منفعل هستند و هیچ کنش اجتماعی یا سیاسی در آنها وجود ندارد، آنها چیزی بیشتر از یك مشت رنگ نیستند که امکان حرکت کردن و تصمیم‌گیری ندارند و با یك درخت که ثابت گوشه‌ای ایستاده و اختیاری از خود ندارد، یکی شده‌اند.

به نظر می‌رسد در این آثار به یك جغرافیا و اتفاقاتی که برای آن افتاده است اشاره می‌کنید و به آنچه این چندگانگی را به وجود آورده است توجه دارید.

اگر بخواهیم انسان را مطالعه کنیم نمی‌توانیم شرایط اقلیم، جغرافیا، فرهنگ بومی و... را نادیده بگیریم. همه اینها متصل به هم هستند و باید با هم بررسی شوند. دریافت تاریخی من از مقوله ایران و ایرانی این است که از نظر موقعیت جغرافیایی ما همیشه مورد تهاجم بوده‌ایم و بنابراین نمی‌توانیم هیچ چیز ناب ایرانی پیدا کنیم. ما یك جغرافیای چند فرهنگی داریم که آبستن انسان چند فرهنگی است. این چندپارگی در طول تاریخ ما وجود داشته و الان هم در فرهنگ، هنر و... می‌بینیم که هر جزء آن متعلق به یك جاست.

از نظر بصری این چندپارگی در کارهای شما مشخص است. چگونه به این ویژگی‌ها رسیدید؟

اگر بخواهیم برای هر کدام از این پاره‌های رفتاری و شخصیتی یك نماد بصری در نظر بگیریم، معلوم است که نقاشی یك نفر مثل من چیزی جز این نخواهد بود. فکر می‌کنم تنوع ریتم، بافت و حرکت، ویژگی‌های کار من است که بسیاری از آنها خواسته و خیلی‌ها نیز ناخواسته است. البته در لحظاتی کارهای من دچار پرگویی می‌شود، همچنان که جامعه ما این‌گونه است و همه ما دچار پرگویی هستیم و این پرگویی و تنوع به خاطر همان ویژگی‌های ما است. من نمی‌توانم نقاشی خود را از هستی‌شناسی‌ام جدا کنم و احساس می‌کنم اگر این هستی‌شناسی و آیکون‌های آن قرار باشد روی کار من تأثیر بگذارد، لاجرم این تنوع در آثارم وجود خواهد داشت.